



از ۶۰ درصد در راس ویژگی‌ها قرار داشته است.

- در مورد فضای خرید نیز پاسخ‌ها برای خرید کالاهای خارجی، به ترتیب: فروشگاه‌های معتبر (۵۴/۵ درصد)؛ هر جا که بشود (۲۱/۱ درصد)؛ و عمده فروشی (۱۲/۵ درصد)؛ و بقیه‌ی پاسخ‌ها مانند: از خارج، دست‌فروش، قشم و کیش و بدون پاسخ هر یک کم‌تر از ۵ درصد بوده است. خرید کالاهای قاچاق، به ترتیب: بی‌پاسخ (۴۴/۶ درصد)، هر جا که بشود (۲۳/۹ درصد)؛ فروشگاه‌های معتبر (۱۳/۱ درصد)؛ دست‌فروش (۸/۸ درصد)؛ عمده‌فروش (۵/۴ درصد)؛ و بقیه‌ی پاسخ‌ها کم‌تر بوده است. از فضای خرید کالاهای ایرانی، نیز به ترتیب: فروشگاه‌های معتبر (۵۶/۶ درصد)؛ هر جا که بشود (۲۱/۶ درصد)؛ عمده‌فروشی (۱۴/۶ درصد)؛ و فروشگاه معتبر و عمده‌فروشی بدون تفکیک از یکدیگر (۹ درصد)؛ و بقیه‌ی پاسخ‌ها و بدون پاسخ، هر یک کم‌تر از ۳ درصد بوده است.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود پاسخ‌گویان هر سه نوع خریدشان را اعم از کالاهای خارجی و قاچاق را از فروشگاه‌های معتبر، عمده فروشی و هر جا که بشود، تهیه می‌کنند و در مورد کالای قاچاق، خرید از دست‌فروش نیز در اولویت چهارم بوده است. معنای پاسخ‌های فوق این است که کالاهای قاچاق، هم در مبدا فروش (که عمده فروشی است) و هم در فروشگاه‌های معتبر به فراوانی یافت می‌شوند.

- ابزارهای تاثیرگذار در گرایش پاسخ‌گویان به کالاهای مذکور نیز به ترتیب، اثر تلویزیون و ماهواره در اولویت یک، روزنامه و اینترنت در اولویت دو و مجله در اولویت سه بوده است.

- بر اساس نتایج بررسی، اولویت یکم تا ششم معیار انتخاب پاسخ‌گویان به مصرف کالاهای خارجی قاچاق به ترتیب به: کیفیت، دوام کالا، زیبایی - راحتی، توجه به مارک، ارزانی و طبق مد جامعه خریدکردن تعلق داشته‌اند. جالب این که درباره‌ی انتخاب کالاهای ایرانی نیز هنگام خرید کالا، معیارهای کیفیت، دوام کالا، زیبایی - راحتی، ارزانی، توجه به مارک و طبق مد جامعه خرید کردن در اولویت یکم تا ششم قرار گرفته و البته در تمامی موارد، فراوانی پاسخ‌های کالاهای ایرانی از فراوانی کالاهای قاچاق کم‌تر بوده است.

بنابر این مشاهده می‌شود که اولویت‌یافتن معیارها برای مصرف کالاهای ایرانی و خارجی قاچاق، جز یک جابه‌جایی در اولویت چهارم و پنجم، یکسان بوده و به این مفهوم می‌باشد که کالاها چه ایرانی، چه خارجی و قاچاق اگر به ویژه سه اولویت یکم تا سوم معیارهای فوق شامل کیفیت، دوام و زیبایی - راحتی را در تولید رعایت نمایند، مصرف‌کنندگان به آن کالاها صرف نظر از داخلی، خارجی و ممنوع گرایش دارند.

* برگرفته از طرح تحقیقاتی: «علل گرایش به مصرف کالاهای خارجی قاچاق»؛ کارفرما: معاونت پژوهشی و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ مجری: موسسه‌ی تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ پژوهشگران: سید حسن حسینی و علی ساعی؛ ناظر علمی: یداله اسلامی.



امنیت اقتصادی

تنظیم: جمشید منصور قناعی



از نظر لغوی امنیت اقتصادی^۱ مرکب از دو واژه‌ی امنیت و اقتصاد است. ابتدا تعاریفی از امنیت و به دنبال آن تعریف اقتصاد ارائه خواهد شد؛ سپس با توجه به تعاریف انجام شده، به تعریف امنیت پرداخته خواهد شد.

امنیت^۲ به طور کلی مفهومی غیر توسعه‌یافته^۳، مبهم^۴، نارسا^۵ و از نظر ماهیتی جدال‌برانگیز^۶، هم‌چنین و از لحاظ شخصیتی متباین و متناقض^۷ است. در متون و کتاب‌های مختلف، تعاریف متفاوتی از امنیت ارائه شده است؛ مفاهیمی چون درمان بودن؛ آرامش و آسودگی (در فرهنگ) امید، اطمینان و آرامش خاطر (در المنجمد). در لغت‌نامه‌ی دهخدا، امنیت به معنای بی‌خوفی و درمان بودن، و در فرهنگ وبستر به معنی آزادبودن از شک و ابهام؛ اطمینان داشتن؛ آزادبودن از ترس و خطر؛ اعتماد داشتن؛ حصول اطمینان از پرداخت حاصل کار و مطالبات؛ ایفای به تعهدات و تضمین داشتن آمده است.

در جمع‌بندی نظر واژه‌شناسان، می‌توان گفت که امنیت عبارت است از رها بودن از خطر یا ترس، و هرگاه فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای واقعاً از خطر مورد نظر رها بوده یا در مقابل آن حفاظت شود، گفته می‌شود که آن فرد، سازمان، دولت یا جامعه، از امنیت برخوردار است.

امنیت بیش از آن که مقوله‌ی قابل تعریفی باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. امنیت دارای یک وضعیت نسبی است و هرگز فرد در معیار خرد، و کشور در مقیاس کلان نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت صددرصد باشد.

- 1- Economic Security
- 2- Security
- 3- Under Developed
- 4- Ambiguous
- 5- Inadequate
- 6- Essentially Contest Concept
- 7- Incoconsistent and Paradoxical Character

از نظر جغرافیایی سطوح امنیت را می‌توان به سه سطح طبقه‌بندی کرد:

۱- امنیت محلی ۲- امنیت ملی ۳- امنیت بین‌المللی
از نظر باری بوزان^۸، امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: ۱- امنیت نظامی ۲- امنیت اقتصادی ۳- امنیت اجتماعی ۴- امنیت زیست محیطی ۵- امنیت سیاسی.

در فرهنگ وبستر، اقتصاد به معنای علم تدبیر یا مدیریت اقتصادی منزل، و نیز مدیریت درآمد و هزینه‌های خانواده و موسسه‌های بازرگانی خصوصی یا دولتی و علم تولید، توزیع و مصرف تعریف شده است. بر این اساس امنیت اقتصادی را می‌توان بدین صورت تعریف کرد: آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلااجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره‌های فعالیت‌هایی که در زمینه‌ی تولید ثروت و توزیع و مصرف آن، صورت می‌گیرد.

برخی از تعاریف امنیت اقتصادی به قرار زیر است:

۱- رسیدن به شرایط مورد لزومی که آن شرایط بهبود نسبی بلندمدت در بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه، استاندارد بالای زندگی (در حال افزایش برای آحاد جامعه) شامل رسیدن به محیط مساعد تجاری پویا، امن و مناسب برای نوآوری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار را تشویق کند.

۲- وضعیتی که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرات محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند.

۳- فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی از مرحله‌ی اجرا و بهره‌برداری تا پایان کار بدون اخلال و آشفتگی‌های بیرونی، صورت گیرد.

۴- مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی که باعث دل‌گرمی، آسایش خیال، ذوق و شوق مردم به کار و

کوشش، فعالیت و امید به آینده می‌شود.

۵- چارچوب نهادینه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی و حقوقی که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده و امنیت جانی افراد، همچنین امنیت حقوقی معاملات را افزایش می‌دهد.

هر کدام از تعاریف بالا به جنبه یا جنبه‌های خاصی از امنیت اقتصادی پرداخته است. با توجه به این تعاریف می‌توان تعریف نسبتاً جامع ذیل را از امنیت ارائه کرد: امنیت اقتصادی، وضعیت با ثباتی از شرایط و ساختار فعلی، همچنین افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند.

به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند.

از تعاریف فوق می‌توان دریافت که اولاً هدف اصلی اقتصاد: تولید، توزیع و مصرف بهینه است. از این رو اقتصادی پیشرفته و توسعه‌یافته محسوب می‌شود که بتواند این سه امر مهم را به بهترین شکل ممکن محقق سازد. بنابراین شناسایی عوامل اصلی و مهم در تعیین رشد و توسعه‌ی اقتصادی ضروری است. امنیت اقتصادی، بستری برای رشد عوامل موثر بر توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی پایدار بوده و هر آنچه که این بستر را فراهم کند، ایجادکننده‌ی امنیت، و هر آنچه که این بستر را تضعیف و یا تخریب نماید، ایجادکننده‌ی عدم امنیت یا ناامنی تلقی می‌شود.

منبع: شهزاد، برومند (۱۳۸۷)؛ امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب؛ تهران: مجلس شورای اسلامی؛ مرکز پژوهش‌ها.

